

## نعت گویی عراقی

شیخ فخرالدین ابراهیم بن بزرجمهر بن عبدالغفار جوالتی متخلص و مشتهر به عراقی همدانی شاعر نامدار و نثر نگار کامگار متصوف فارسی ، دلسوخته عشق مجازی و حقیقی و دلباخته محبت نبوی و وارفته نعت مصطفوی بوده است. بنا بر تحقیق معتبر به سال ۶۱۰ هجری در قریه کمجان از نواحی همدان به دنیا آمد . «جامع دیوان عراقی» و مؤلف مقدمه آن داستانی دلچسب و شیرین به مناسبت ولادت وی نقل کرده است که در عالم رؤیا حضرت سید امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام عراقی را به پدرش اعطا نموده بودند. عراقی پس از مهارت تامه در علوم عقلی و نقلی ، در مدرسه همدان مشغول تدریس شد ، اما به زودی تحت تأثیر قلندری قرار گرفته، به خدمت شیخ الاسلام بهاءالدین زکریا سهروردی ملتانی رسید. شیخ زکریا وی را گرم گرفتند و صاحب دل شناخته برای اربعین در خلوت نشانند، ولی عراقی در خلوت خانه برعکس طریقت سهروردیه، به جای تلاوت قرآن و مطالعه احادیث نبوی ، غزلیات عرفانی می سرود . شیخ زکریا اطلاع یافته ، روز یازدهم عراقی را از خلوت خانه بیرون آورد و خرقة خلافت پوشانید و به دختر نیک اختر

خویش نکاح مسنونه کرد<sup>۱</sup>. سپس شیخ عراقی به دلیل مکتوب خود ۱۷ سال<sup>۲</sup> و به روایات کسان دیگر ۲۵ سال در ملتان مقیم ماند. به هر حال از قراین و شواهد ثابت می‌شود که عراقی تا حین حیات، پیرو معنوی شیخ بهاء‌الدین زکریا در ملتان بوده. شیخ عراقی در موقع رحلت مرشد باطنی خود مرثیه‌ای پرمعنی به صورت ترکیب‌بند سروده که در آن کیفیت حزن و ملال خویشتن و پسماندگان دیگر را به نحو احسن ذکر کرده است<sup>۳</sup>.

شیخ عراقی بدون شك عارفی بوده شعر دوست و عاشق پیشه و جمال پرست. بعد از شیخ زکریا مریدان و معتقدان خانقاه ملتانی عراقی را به باد انتقاد دادند. عراقی از طعن و تشنیع مردم، دل برداشته ملتان را ترك گفت. از راه عمان به سرزمین حجاز وارد شد. به مکه معظمه رسیده به طواف خانه کعبه شرفیاب گردید. در آن وقت عراقی چند قصیده در جلال و جمال خانه کعبه مشرفه سرود<sup>۴</sup>. از آن بعد به مدینه منوره مقدسه رسید که صاحب مقدمه می‌نویسد: «پس روی با حضرت خواجه کاینات (ص) نهادند و بدان سعادت مستسعد گشتند. گویند که شیخ فخرالدین هر شب آنجا احیا کرد و این پنج قصیده را انشا نمود<sup>۵</sup>»:

بیت اول

عاشقان چون بر دردل حلقه سودا زنند آتش سودای جانان در دل شیدا زنند<sup>۶</sup>

دوم

شهبازم و چو صید جهان نیست در خورم ناگه بود که از کف ایام بر پر<sup>۷</sup>

سوم

ای رخت مجمع جمال شده مطلع نور ذوالجلال شده<sup>۸</sup>

چهارم

راه باریکست و شب تاریک و مرکب لنگ و پیر

ای سعادت رخ نمای و ای عنایت دست گیر<sup>۹</sup>

پنجم

دل تو را دوست تر ز جان دارد جان ز بهر تو در میان دارد<sup>۱۰</sup>

البته قصیده پنجم در دیوان اشعار زیر عنوان «در مدح صدرالدین» مندرج گردیده است. این صدرالدین ظاهراً صدرالدین عارف فرزند شیخ زکریا به نظر می‌رسد و از شیخ صدرالدین محمد بن اسحاق قونیوی - خلیفه و شارح شیخ اکبر محی‌الدین ابن عربی و استاد علوم و معارف تصوف عراقی - عبارت نیست. مزید بر آن، قصیده‌ای به مطلع زیر در نعت حضرت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و سلم گفته شده که در دیوان عراقی موجود است:

قبلة روی صوفیان بسارگه صفای او      سرمه چشم قدسیان خاک درسرای او<sup>۱۱</sup>  
 به روایت نگارنده مقدمه دیوان، شیخ عراقی حافظ قرآن بود<sup>۱۲</sup>. از مطالعه قصاید نعتیه نیز این امر به پایه ثبوت می‌رسد که عراقی در موقع نعت گویی مطالب و مفاهیم قرآنی را در نظر داشته است و اوصاف و صفات مصطفوی را با برخی سوره‌ها هماهنگ ساخته است مثلاً در قصیده اول والضحی، یسین، طه، عروة الوثقی، قاب قوسین، جنت‌الماوی، اودنی، ذروه اعلی، سبحان الذی اسری به چشم می‌خورد. بدین طریق شیخ عراقی مقامات و معجزات و مناقب حضرت رسول کریم صلی الله علیه و آله و سلم را با صراحت بیان نموده است.

علاوه بر قصایدی چند که در دیوان اشعار مسطور گردیده، شیخ عراقی در یگانه مثنوی عشاقنامه خود هم نعتی را شامل کرده است. در این نعت هم شاعر نعت گوی ما آیات قرآنی را با صفات حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله و سلم منطبق ساخته است و شاعر عارف و عاشق صادق، آن حضرت صلعم را «اولین خلق و آخرین مرسل» گفته پرده از مسئله تخلیق کاینات برانداخته است. در بیت آخر، عراقی تعریف و توصیف محبوب خدا صلی الله علیه و سلم را به این طرز کرده است:

چاکرش آفتاب و بنده سهیل      روی او «والضحی» و مو «واللیل»<sup>۱۳</sup>

کتاب کوتاه «لمعات» که شیخ عراقی آن را به روش رساله «سوافح» شیخ احمد غزالی تألیف نموده و تلخیص تعلیمات «فصوص الحکم» شیخ اکبر ابن عربی طالی اندلسی را به زبان فارسی نگاشته است. اگر چه همه لمعات را می‌توان نعت نبوی

به‌شمار آورد اما در آغاز کتاب پس از حمد و درود، عراقی بدون ذکر عنوان، در شان حضرت محمد مصطفی علیه‌السلام نعتی مختصر شامل نموده است<sup>۱۴</sup> که برخی ابیات آن مأخوذ و مقتبس از قصیده «شهبازم و چو صید جهان نیست در خورم» به نظر می‌آید مانند :

چو بنگرم در آینه عکس جمال خویش      گردد همه جهان به حقیقت مصورم<sup>۱۵</sup>

خورشید آسمان ظهورم ، عجب مدار      ذرات کاینات اگر گشت مظهرم<sup>۱۶</sup>

ارواح قدس چیست ؟ نمودار معنیم      اشباح انس چیست ؟ نگهدار پیکرم<sup>۱۷</sup>

بحر محیط رشحه‌ای از فیض فایضم      نور بسیط لمعه‌ای از نور ازهرم<sup>۱۸</sup>

فی‌الجمله مظهر همه اشیاست ذات من      بل اسم اعظمم، به حقیقت چو بنگرم<sup>۱۹</sup>  
مصراع زیر هم ملاحظه می‌توان کرد که در لمعات و قصیده‌ها اندکی تفاوت یکی است:  
« گر پرده صفات خود از هم فرو دم<sup>۲۰</sup> »

از مطالعه دیوان پیدا می‌شود که شیخ عراقی در ترکیب بندی نعت‌گویی کرده و حقایق و معارف و مناقب حضرت محمد مصطفی احمد مجتبی صلی‌الله‌علیه‌وسلم را به طرز بی‌بلیغ انشاء نموده است. در اینجا عراقی محسن انسانیت (ص) را به روش فیلسوفانه و عارفانه «نور» ثابت کرده و «کمال صورت» وی را به «آئینه ذات حق تعالی» یاد کرده است. برای تیمن و استرشاد فقط چند بیت نگاشته می‌شود :

... آن نور دل پیمبر ماست      اکنون به تو حق عیان نماید

آن بحر محیط بسی کرانه      و آن نور بسیط جاودانه

آن بحر ، که موج اوست دریا      و آن نور ، که ظل اوست اشیا

نوری که جمال جمله هستی      از تاب جمال اوست پیدا

سپس گوید :

... و آن نور که حق بدو توان دید      باشد همه والضحی و طاها

فی‌الجمله کمال صورت اوست      آئینه ذات حق تعالی

در آینه مصطفی چه بیند ؟ جز حسن و جمال ذات والا  
 کو عاشق روی حق ؟ بیا گو بنگر رخ خوب مصطفی را...<sup>۲۱</sup>  
 کلیات عراقی چاپ لاهور « اشعار العربی » را داراست . از آنها قصیده‌ای  
 اگرچه در حمد باری تعالی سروده شده، مگر در اواخر آن چند بیت در نعت حضرت  
 رسول صلی الله علیه و آله وسلم یافته می‌شود . اینک برای نمونه بیتی از آن نقل  
 می‌گردد :

محل الانبیاء و ختم رسل مسیح للاواخر والاول<sup>۲۲</sup>  
 حاصل کلام این که احوال و مقامات ، آثار و تصانیف و عقاید و افکار عرفانی  
 شیخ عراقی دلیل بین و ثبوت محکم این امر است که او عارفی بوده سرشار از  
 سوز و ساز و عاشقی بوده دلنواز - به حد اعلای دلسوختگی و وارفتگی رسیده -  
 و تمام کلام نعتیه او نیز از جذبات و احساسات عاشقانه آکنده و معمور است .  
 شیخ عراقی در قصیده اول از روی قرآن حکیم در مورد مقامات و معجزات مصطفی  
 علیه السلام اظهار عقیده کرده است . مثلاً « مصراع عراقی « دو کمان از یک سپر سازند  
 انگشتان او » را با آیه قرآنی اقتربت الساعة و انشق القمر می‌توان تطبیق کرد<sup>۲۳</sup> .  
 همچنین بیت زیر

چون بود در یم دستش منبع آب حیات  
 سنگ ریزه هم درو گویا شود از واژند  
 معجزه سخن گفتن پیغمبر اعظم و آخر صلی الله علیه و سلم با حجر را شاهد است<sup>۲۴</sup> .  
 به قول عراقی برخی معجزات موسی و عیسی علیهما السلام به وسیله آن صلعم به ظهور  
 رسیده :

شماه ای از طیب خلقش در دم عیسی نهند  
 وز فروغ شمع رویش آتش موسی زنند<sup>۲۵</sup>

در قصیده دوم مطالب و مفاهیم عرفانی به طرز شیوا بیان گردیده است . شیخ عراقی از زبان حقیقت ترجمان فخر موجودات صلی الله علیه وسلم « نورم که از ظهور من اشیا وجود یافت » ، «وصاف لایزال ز من آشکار شد» و «حسن رخم به صورت آدم پدید شد» گویانده، سرحقیقت کاینات و مقصد حیات را روشن و واضح گردانیده ، ورسول آخر الزمان (ص) را مبداء و منبع کاینات ثابت کرده ، و خاتم نبوت و سرور ولایت قرار داده است :

از من کمال یافت نبوت که خاتم

بر من تمام گشت ولایت که سرورم<sup>۲۶</sup>

عراقی گفت نجات کشتی نوح ، سرد شدن نارخلیل و زنده گشتن مردگان از نفس عیسی به طفیل انعامات و کمالات و تصرفات مصطفی (ص) بود .

درقصیده چهارم نیز عراقی به دلایل قرآن ، کمالات و تجلیات و انوار نبی افضل صلی الله علیه و آله وسلم را بی نظیر و بی مثال و بی مانند خوانده است ؛ و « روی او را دیده چشم دل ز روی شاهدان» گفته، فکر و ذوق خویش را مخفی نگذاشته است. بنا به گفتار عراقی ، وصف حضور رسالت مآب صلعم از نعمت هم بلندتر و بالاتر است . به تسبیح و تقدیس ختم الرسل چهره هر خاص و عام تازگی می یابد و جان هر برنا و پیرزنده می ماند .

درترکیب بند، همچنان که گفته شد، شیخ عراقی صاحب جمال صلی الله علیه و آله وسلم را به «نور» تعبیر کرده است .

چنان که حضرت پیغمبر اعظم صلی الله علیه و آله وسلم سبب تکوین کاینات اند، وجودشان علت آفرینش موجودات است و محبت و عشقشان سنت الهیه . غلامی و تعلق به ایشان وسیله حصول سرافرازی کونین است و نسبت به ایشان ضمانت سعادت دارین . ایمان و ایقان همراه عشق برایشان کلید برای فهمیدن اسرار کاینات

است. بدون حب مصطفی صلی الله علیه و آله وسلم و عشق او، تصور ایمان باطل است. در قرآن حکیم ارشاد باری تعالی است: *النبی اولی بالمؤمنین من انفسهم*: برای مؤمنان ذات نبی مکرم صلی الله علیه و آله وسلم از جان های خودشان نیز عزیز تر است<sup>۲۷</sup>. نتیجه این که در شأن حضرت رسول علیه السلام هر چه گفته شود، به قول خود عراقی «یک قطره نیز نیست ز دریای نعت او»<sup>۲۸</sup>؛

و واقعاً این گفتار مبنی بر صداقت است. این حقیقت مسلم است که حضور سرور دو عالم صلی الله علیه و آله وسلم شاهکار و مقصود تخلیق خداوندی هستند. بدین جهت ادراک کلی اوصاف و کمالات و معجزات و مقامات و محاسن و فضایل رسالت مآب صلی الله علیه و آله وسلم بیرون از حواس بشریت است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## حواشی

۱- کلیات شیخ فخرالدین ابراهیم عراقی ، با دیباچه و تصحیح سعید نفیسی، تهران، ۱۳۳۸ ش، مقدمه، ص ۵۲؛ عشاقنامه عراقی مع سوانح عمری، به تصحیح آذری، بمبئی، ۱۳۵۷ ق، ص ۱۱؛ نفحات الانس جامی، به تصحیح و مقدمه مهدی توحیدی پور، تهران، ۱۳۳۶ ش، ص ۶۰۲؛ حبیب السیر، خواند میر، طبع خیام، تهران، ۱۳۳۰ ش، ج ۳، ص ۲۵۵؛ سیرالعارفین، تألیف حامد بن فضل الله جمالی دهلوی، ترجمه و مرتبه محمد ایوب قادری، مرکزی اردو بورد لاهور، ۱۹۷۶ م، ص ۱۵۲؛ تاریخ فرشته، ملا محمد قاسم فرشته هندوشاه؛ نولکشور لکهنو؛ ج ۲، ص ۴۰۵؛ میخانه، ملا عبدالنبی فخرالزمانی، به اهتمام گلچین معانی، تهران، ۱۳۴۰ شمسی، ص ۳۲؛ تذکره حضرت بهاءالدین زکریا ملتانی (اردو)، علما آکادمی، اداره اوقاف پنجاب، لاهور، ۱۹۸۰ م، ص ۱۵۱.

۲- منشآت و مکاتیب عراقی، نسخه عکسی متعلق به نگارنده، صص ۲۵ پ - ۲۶ ر.

۳- کلیات عراقی، تهران، صص ۱۱۴ - ۱۱۸؛ نیز رجوع شود به کلیات عراقی،

چاپ لاهور، صص ۵۴ - ۵۰.

۴- کلیات عراقی، تهران، مقدمه، ص ۵۴؛ و ملاحظه شود متن کلیات، صص ۸۲،

۹۱ و ۹۲؛ و نیز برای قصیده عربی به مطلع زیر رجوع شود به کلیات عراقی، چاپ لاهور،

ص ۳۱:

تعالی من توحید بالکمال      تقلس من تفرد بالجمال

۵- کلیات عراقی، تهران، مقدمه، ص ۵۲.



- ۶- پیشین ، ص ۵۲ ؛ متن ص ۷۲ .
- ۷- همانجا ، ص ۵۲ ؛ متن ص ۸۶ .
- ۸- همانجا ، ص ۵۲ ؛ متن ص ۹۵ .
- ۹- همانجا ، ص ۵۲ ؛ متن ص ۸۱ .
- ۱۰- همانجا ، ص ۵۲ ؛ متن ص ۷۱ .
- ۱۱- کلیات عراقی ، تهران ، ص ۹۱ .
- ۱۲- کلیات عراقی ، تهران ، مقدمه ، ص ۲۸ ؛ عشاقنامه ، آذربئی ، سوانح عصری ، ص ۶ .
- ۱۳- مثنوی عشاقنامه . آذربئی ، ص ۳۲ ؛ کلیات عراقی ، تهران ، عشاقنامه ، ص ۳۳۰ .
- ۱۴- کلیات عراقی ، تهران ، لمعات ، ص ۳۷۵ .
- ۱۵- کلیات عراقی ، تهران ، لمعات ، بیت ۲ ؛ قصیده بیست ، شماره ۲۶۰ .
- ۱۶- پیشین ، بیت ۳ ؛ قصیده بیست ، شماره ۲۶۱ .
- ۱۷- همانجا ، بیت ۴ ؛ قصیده بیست ، شماره ۲۶۲ .
- ۱۸- همانجا ، بیت ۵ ؛ قصیده بیست ، شماره ۲۶۵ .
- ۱۹- همانجا ، بیت ۱۰ ؛ قصیده بیست ، شماره ۲۵۶ .
- ۲۰- همانجا ، بیت ۷ ؛ قصیده بیست ، شماره ۲۵۱ .
- ۲۱- کلیات عراقی ، تهران ، صص ۱۱۰ - ۱۰۹ .
- ۲۲- کلیات عراقی ، به فرمایش شیخ الهی بخش محمدجلال الدین تاجران کتب کشمیری بازار لاهور ، ص ۳۲ .
- ۲۳- قرآن کریم ، سوره القمر ، آیه ۱ ؛ کلیات عراقی ، تهران ، ص ۷۲ ، بیت ۱۸۴ ؛ مقایسه شود با نعت حضرت رسول اکرم (ص) در شعر فارسی ، گردآورده سیدضیاءالدین دهشیری ، تهران ، ۱۳۴۸ ش ، ص ۷۹۲ ، ح ۱ .
- ۲۴- کلیات عراقی ، تهران ، ص ۷۲ ، بیت ۱۸۳ ؛ نعت حضرت رسول اکرم (ص)

در شعر فارسی ، دهشیری ، ص ۱۰۸ ، ج ۴۲ .

۲۵- کلیات عراقی ، تهران ، ص ۷۲ ، بیت ۱۸۰ .

۲۶- کلیات عراقی ، تهران ، ص ۸۸ ، بیت ۴۶۶ .

۲۷- قرآن کریم ، ۶/۳۳ .

۲۸- کلیات عراقی ، تهران ، ص ۸۸ ، بیت ۲۸۱ .



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی